



Comparison of the price Reduction Rule in the Convention on the International Sale of Goods with the Arsh and Price Distribution Institution in Iranian Law

Seyedeh Kosar Ghoreyshi¹, Hamid Abhari^{2*}, Sam Mohammadi³

1. PhD. Student of Private Law, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Mazandaran University, Mazandaran, Mazandaran, Iran.

2. Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Mazandaran University, Mazandaran, Mazandaran, Iran.

3. Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Mazandaran University, Mazandaran, Mazandaran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 167-182

Article history:

Received: 03 Feb 2025

Edition: 16 Apr 2024

Accepted: 28 May 2024

Published online: 25 Mar 2025

Keywords:

Price Reduction, Arsh Subject, Price Sharing, International Sale of Goods Convention.

Corresponding Author:

Hamid Abhari

Address:

Iran, mazandaran, Faculty of Law and Political Science, Mazandaran University, Department of Private Law.

Orchid Code:

0000-0002-3800-0538

Tel:

01135344608

Email:

hamid.abhary@gmail.com

ABSTRACT

Background and purpose: The existence of balance in contracts has long been the concern of Iranian jurists. The purpose of the article is to compare the rule of price reduction in the Convention on the International Sale of Goods with the institution of Arash and the division of the price in Iranian law.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are respected.

Findings: The findings showed that the origin of the price reduction rule in Article 50 of the Convention on the International Sale of Goods is in Roman law, which has been the focus of many jurists in other countries. Research and investigation in jurisprudence and civil law sources of Iran shows the apparent non-acceptance of this rule, but there are similar institutions in Iranian law that indicate the possibility of accepting this rule in Iranian law.

Conclusion: The institution of price reduction in the convention is similar to the institution of Arsh and compensation for the difference in Iran's civil rights, and in some ways there are similarities between these two institutions and in some ways there are differences between them.

Cite this article as:

Ghoreyshi, K; Abhari, H; Mohammadi, S. *Comparison of the price Reduction Rule in the Convention on the International Sale of Goods with the Arsh and Price Distribution Institution in Iranian Law*. Economic Jurisprudence Studies. 2024.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هفتم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

مقایسه قاعده تقلیل ثمن در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با نهاد ارش و تقسیط ثمن در حقوق ایران

سیده کوثر قریشی^۱، حمید ابهری^{۲*}، سام محمدی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.
۲. استاد، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.
۳. استاد، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: وجود توازن در قراردادهای از دیرباز مورد توجه حقوقدانان ایران بوده است. هدف مقاله مقایسه قاعده تقلیل ثمن در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با نهاد ارش و تقسیط ثمن در حقوق ایران است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد، منشأ قاعده تقلیل ثمن در ماده ۵۰ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، در حقوق روم است که بعد از آن مورد توجه بسیاری از حقوقدانان کشورهای دیگر قرار گرفته است. تحقیق و بررسی در منابع فقهی و حقوق مدنی ایران، عدم پذیرش ظاهری این قاعده را نشان می‌دهد ولی نهادهای مشابهی در قانون ایران وجود دارد که نشان دهنده امکان پذیرش این قاعده در حقوق ایران است.

نتیجه: نهاد تقلیل ثمن در کنوانسیون مشابه نهاد ارش و مابه التفاوت در حقوق مدنی ایران است و از جهاتی بین این دو نهاد وجوه تشابه و از جهاتی بین آنها وجوه افتراق وجود دارد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۶۷-۱۸۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۵

واژگان کلیدی:

تقلیل ثمن، نهاد ارش، تقسیط ثمن، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا.

نویسنده مسئول:

حمید ابهری

آدرس پستی:

ایران، مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، گروه حقوق خصوصی

تلفن:

01135344608

کد ارکید:

0000-0002-3800-0538

پست الکترونیک:

hamid.abhary@gmail.com

۱. مقدمه

یکی از تعهدات بایع به موجب کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، این است که بایع باید کالایی به مشتری تسلیم نماید که دارای مقدار، کیفیت و همان جنسی باشد که در قرارداد ذکر شده است. به عنوان مثال در قرارداد فروش وسیله نقلیه موتوری بین یک شرکت سازنده و کشوری که دارای آب و هوای کاملاً گرم است، بایع باید کالا را به نوعی ساخته و تحویل خریدار نماید که از نظر کیفیت با آب و هوای کشور خریدار متناسب باشد، در غیر این صورت فروشنده مرتکب نقض قرارداد شده است لذا قانونگذار در ماده ۳۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی به این موارد و مصادیق اشاره نموده است. خریدار نیز طبق ماده ۳۸ کنوانسیون مکلف است که کالا را کاملاً بازرسی نموده تا اگر کالا مطابق با قرارداد نباشد، بتواند به ضمانت اجرای ماده ۳۸ کنوانسیون که تقلیل ثمن است استناد نماید. تقلیل ثمن بدان معناست که خریداری که از عدم مطابقت کالا متضرر شده است به جای نقض قرارداد، از ثمن کسر نماید. مبنای قاعده تقلیل ثمن حفظ تناسب در قرارداد و حفظ قرارداد و جلوگیری از انحلال آن است. لذا در این میان، شرایطی برای استناد به تقلیل ثمن وجود دارد که عبارتند از شرایط ماهوی و شرایط شکلی استناد به تقلیل ثمن. شرایط ماهوی عبارتند از: ۱- بیع کالاهای قابل حمل ۲- عدم مطابقت کالا ۳- عدم آگاهی خریدار ۴- انتساب عدم مطابقت به فروشنده. شرایط شکلی استناد تقلیل ثمن نیز که عبارت است از: ۱- بازرسی کالا ۲- رعایت شرایط شکلی اخطاریه ۳- اخطار در مدت معقول ۴- عدم رفع عدم مطابقت از سوی فروشنده. در تقلیل ثمن، خریدار تسلیم ناقص محصولات را می‌پذیرد و ثمن را با توجه به ارزش کالاهای تسلیم شده پرداخت

می‌کند. مبنای تحلیل، ماده ۵۰ کنوانسیون بیع بین‌المللی مصوب ۱۹۸۰ است که صراحتاً چنین حقی را برای خریدار به رسمیت شناخته است. پذیرش کنوانسیون از طرف هفتاد و چهار کشور (ایران هنوز کنوانسیون را نپذیرفته است) نشان از اهمیت این متن حقوقی است. در حقوق ایران نیز نهادهای به نام ارش وجود دارد. ارش غرامت و جبران خسارتی است که به دلیل عیب مبیع، بر خریدار وارد می‌شود. وقتی طرفین عقد، بر مبنای تعادل ارزش عوضین به انعقاد قراردادی مثل بیع، مبادرت می‌ورزند، اگر این تعهد، به دلایلی همچون معیوب بودن مبیع، نقض گردد، باید به گونه‌ای این تعهد منقوض، اجرا گردد. پرداخت ارش سبب می‌شود که تعهد مورد توافق طرفین در رابطه با برقراری تعادل میان ارزش عوض و معوض، به اجرا در آید. البته نوعی خیار به نام خیار تبعض صفقه نیز در فقه و قانون مدنی ایران مطرح است که با تقلیل ثمن در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مشابهت دارد. در خیار تبعض صفقه یک معامله به دو بخش صحیح و باطل تجزیه می‌گردد. در این حالت ثمن یا قیمت آن بخش از معامله که باطل است، به مشتری برگردانده شده و مشتری، می‌تواند بخش صحیح معامله را نیز فسخ نماید و ثمن آن بخش را مسترد کند. شرایط اعمال خیار تبعض صفقه آن است که معامله قابل تجزیه بوده، مشتری آگاه به بطلان بخشی از معامله نبوده و طرفین در زمان عقد، خیار خود را اسقاط نکرده باشند. موضوعی که در این مقاله بررسی می‌شود این است که تقلیل ثمن در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا تا چه اندازه با نهاد ارش و تقسیط ثمن در حقوق ایران همخوانی دارد. در خصوص تقلیل ثمن پژوهش‌های متعددی انجام شده است: حدیث شفیعی و مرتضی فروحی، در مقاله‌ای به بررسی شرایط فسخ قرارداد

۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد منشأ قاعده تقلیل ثمن در ماده ۵۰ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، در حقوق روم است که بعد از آن مورد توجه بسیاری از حقوقدانان کشورهای دیگر قرار گرفته است. تحقیق و بررسی در منابع فقهی و حقوق مدنی ایران، عدم پذیرش ظاهری این قاعده را نشان می‌دهد ولی نهادهای مشابهی در قانون ایران وجود دارد که نشان دهنده امکان پذیرش این قاعده در حقوق ایران است.

۵. بحث

۵-۱. قاعده تقلیل ثمن در کنوانسیون

بیع بین‌المللی کالا

تقلیل ثمن یعنی کاهش ثمن از سوی خریدار به صورت یک جانبه بدون مراجعه به دادگاه بدلیل عدم مطابقت کالا که در ماده ۵۰ کنوانسیون شرایطی برای آن از سوی قانونگذار مشخص شده است که در این قسمت به آن پرداخته شده است.

۵-۱-۱. ماهیت تقلیل ثمن

در عرف تجاری هنگامی که کالا مناسب با استفاده و هدفی که مشتری از آن انتظار داشته نباشد، وی با وجود شرایطی می‌تواند بهای قراردادی را به نسبت عدم مطابقت صورت گرفته کاهش دهد، این عدم مطابقت، هم عدم مطابقت مادی، کیفی یا کمی، و هم عدم مطابقت حقوقی را در بر می‌گیرد. این شیوه جبران خسارت زمانی قابل استفاده است که طرف متضرر، اجرای غیر منطبق را پذیرفته باشد، در غیر این صورت، استناد به شیوه‌های دیگر جبران خسارت برای وی امکان پذیر خواهد بود (پارساپور و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۲) در واقع در تقلیل ثمن خریدار کالای نامطلوب را از فروشنده دریافت نموده است و تصمیم به پذیرش آن می‌کند (عبیدت، ۲۰۱۸، ۳۹). مطابق ماده ۵۰ کنوانسیون

در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا پرداخته‌اند (شفیعی و فروحی، ۱۳۹۹) حمید رضا بهروزی زاد نیز در مقاله‌ای، مفهوم و شرایط اعمال نظریه عمومی ارش را با قاعده تقلیل ثمن به صورت تطبیقی بررسی کرده است (بهروزی‌زاد، ۱۴۰۱) علی اسلامی پناه، بهزاد فرجام و حسین اسکندری در مقاله‌ای، امکان تقلیل ثمن در نظام حقوقی ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند (اسلامی‌پناه، فرجام و اسکندری، ۱۳۹۵) تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام شده این است که در این مقاله از مقایسه قاعده تقلیل ثمن در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با نهاد ارش و تقسیط ثمن در حقوق ایران بحث شده است. بر اساس آنچه گفته شد، سوال مقاله بدین شکل قابل طرح است که قاعده تقلیل ثمن در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با نهاد ارش در حقوق ایران چه تفاوت‌های و تشابهاتی دارد؟ که ماهیت تقلیل ثمن چیست؟ شرایط اعمال آن چیست؟ آیا قاعده تقلیل ثمن قابلیت اعمال در حقوق ایران را دارد؟ اکثریت حقوقدانان معتقدند که ماهیت تقلیل ثمن جبران خسارت است. در حقوق ایران قاعده تقلیل ثمن پیش بینی نشده است ولی نهادهایی مشابه با آن از جمله خیار تبعض صفا و خیار عیب وجود دارد که از لحاظ مبانی و هدف و قلمرو با قاعده تقلیل ثمن مشابه است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

بیع بین‌المللی کالا: «در صورتی که کالای تسلیم شده منطبق با قرارداد نباشد اعم از این که ثمن قبلاً تأدیه شده یا نشده باشد مشتری می‌تواند به نسبت تفاوت ارزش کالای تسلیم شده در روز تسلیم و ارزشی که کالای منطبق با قرارداد در روز تسلیم داشته یا خواهد داشت، ثمن را تقلیل دهد». معهدا هر گاه با بیع مطابق مواد ۳۷ و ۴۸ هر نوع قصور در ایفای تعهدات خود را جبران کند یا در صورتی که مشتری مطابق مواد مذکور، از قبول انجام تعهد با بیع خودداری ورزد، مشتری نمی‌تواند ثمن را تقلیل دهد. متن ماده به این معناست که اگر کالای تحویل شده به مشتری مطابق با کالای تعیین شده در قرارداد نباشد، خریدار می‌تواند با شرایطی ثمن را تقلیل دهد، یعنی اگر ثمن را نپرداخته است ثمن را به میزان تقلیل یافته پرداخت خواهد کرد و اگر ثمن را پرداخت کرده باشد به میزانی که تقلیل می‌یابد می‌تواند ثمن را از بیع پس بگیرد. ماده ۵۰ یک حق انتخاب برای خریدار است و این راه حل ثانویه بعد از تعمیر کالا است. اگر مدت معقول و منطقی تعمیر کالا بگذرد خریدار می‌تواند تقلیل ثمن نماید، در واقع بین تعمیر و تقلیل ثمن سلسله مراتبی وجود دارد و خریدار نمی‌تواند در مهلتی که برای تعمیر توسط فروشنده از خریدار گرفته شده است تقلیل ثمن نماید و این به علت آن است که قرارداد حفظ گردد، در واقع قانونگذار در کنوانسیون بیع بین‌المللی ضمانت‌اچراهای مختلفی برای نقض قرارداد قائل گردیده است که عبارتند از: ۱- فسخ قرارداد ۲- جایگزین کردن کالا ۳- تعمیر کالا ۴- تقلیل ثمن که در این میان تقلیل ثمن و جایگزین کردن کالا و تعمیر کالا برای حفظ قرارداد است و تعمیر کالا در مدت معقول مقدم بر تقلیل ثمن است و در مدت معقول تعمیر، خریدار حق تقلیل ثمن ندارد

(جانسن، ۲۰۱۴، ۳۴۲). راه حل تقلیل ثمن برای جلوگیری از فسخ قرارداد است. اگر هر قراردادی به راحتی فسخ گردد فروشنده با خطرات حمل کالا مواجه است به ویژه هنگامی که مقصد برای حمل کالا و تحویل مبیع یک کشور خارجی است اعاده و برگرداندن مبیع برای فروشنده بعد از اقدام به فسخ خریدار سخت است لذا فروشنده به ناچار باید کالا را با قیمت نازلی در بازار کشور خارجی به فروش برساند همچنین اگر فروشنده اقدام به فسخ نماید ممکن است خریدار قبل از اقدام به فسخ فروشنده، کالا را فروخته باشد که در اینجا عواقب فسخ برای خریدار سنگین است (عبیدت، ۲۰۱۸، ۴۶؛ اولریش، ۲۰۰۵، ۴۲۳). ماهیت تقلیل ثمن در کنوانسیون بیع بین‌الملل جبران خسارت است البته جبران خسارتی که ماهیت آن با بقیه جبران خسارت‌های قراردادی متفاوت است زیرا در فرضی که فروشنده کالای معیوبی را به خریدار تحویل می‌دهد و خریدار خسارت تقاضا می‌کند در اینجا اگر خسارت اضافی به خریدار وارد شد نمی‌تواند مطالبه نماید همچنین در این فرض استناد به علت قوه قاهره از سوی فروشنده مانع از مطالبه خسارت توسط خریدار می‌گردد ولی در جایی که خریدار به علت تحویل کالای معیوب راه حل تقلیل ثمن را انتخاب می‌نماید می‌تواند تقلیل ثمن با خسارات اضافی را با هم مطالبه نماید و همچنین قوه قاهره نیز مانع از تحقق مسئولیت فروشنده در مقابل خریدار نیست زیرا آنچه که در تقلیل ثمن مهم است حفظ قرارداد است (بهروزی‌زاد، ۱۴۰۱، ۲۲۲). در حقوق ایران نیز ارزش خسارت قراردادی است یعنی همان خسارت عدم انجام تعهد تسلیم کالای سالم است (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج ۵، ۳۰۸). که کاملاً با مفهوم تقلیل ثمن در کنوانسیون بیع بین‌الملل هماهنگی دارد.

۵-۱-۲. شرایط اعمال قاعده تقلیل ثمن

شرایط اعمال قاعده تقلیل ثمن از سوی خریدار به دو دسته شرایط ماهوی و شکلی تقسیم می‌شود.

الف) شرایط ماهوی تقلیل ثمن

شرایط ماهوی تقلیل ثمن عبارت است از:

۱. فروش بین‌المللی کالاهای منقول و قابل حمل کنوانسیون بیع بین‌الملل فروش از طریق مزایده و اجرا را مستثنی از قاعده تقلیل ثمن دانسته است. طبق ماده ۱۶ کنوانسیون بیع بین‌المللی قراردادهای عرضه کالا اعم از تولید نیز فروش محسوب می‌گردد، مگر این که شخص سفارش دهنده قصد داشته باشد بخش قابل توجهی از مواد لازم برای ساخت کالا و مبیع را برای تولید فراهم سازد. کالاهایی که برای استفاده خصوصی مشتری نیز طراحی می‌گردند، از قاعده تقلیل ثمن مستثنی هستند. بعضی موارد دیگر از جمله فروش سهام و اوراق بهادار و همچنین پول قابل معامله و کشتی و شناور و هاور گرافت و هواپیما و حتی فروش برق به کشوری دیگر از این قاعده مستثنی شده‌اند (جانسن، ۲۰۱۴، ۳۲۸).

۲. عدم مطابقت کالا

شرط دوم از شرایط ماهوی تقلیل ثمن نقض قرارداد به دلیل عدم مطابقت است که در این مورد باید به ماده ۳۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی مراجعه نمود، در بند ۱ این ماده، عدم انطباق اعم از عدم انطباق کمی و کیفی و توصیف و بسته بندی مورد نیاز در قرارداد است. همچنین عدم انطباق حقوقی و مالکیت کالا را نیز شامل می‌شود (هراتیان نژادی؛ آزادی، ۱۳۹۴). «در توضیح عدم مطابقت حقوقی می‌توان گفت هر عدم مطابقتی که راجع به اوصاف عینی مانند مقدار، نوع، رنگ، اندازه، و... نبوده و در حوزه مفهومی حق یا ادعای شخص ثالث باشد از نوع حقوقی خواهد بود» (شعاریان ستاری؛ رحیمی،

۵۲۱، ۱۳۹۳-۵۱۹). یکی از سوالاتی که مطرح می‌شود این است که اگر کالای تسلیمی از سوی فروشنده از لحاظ ذاتی مغایر با قرارداد باشد آیا خریدار می‌تواند به تقلیل ثمن استناد نماید یا باید معامله را باطل دانست؟ برای مثال فروشنده‌ای که به جای تسلیم پرتقال، سیب تسلیم نماید. آیا این عمل بایع به معنای عدم تسلیم مبیع است یا می‌تواند عدم مطابق مبیع باشد؟ در پاسخ باید گفت در مورد این نوع تفاوت که آن را عدم انطباق ذاتی محصول می‌دانیم، میان صاحب نظران اختلاف است. برخی از حقوقدانان معتقدند که برای اعمال ماده ۳۵ کنوانسیون و اثرات ناشی از تقلیل ثمن لزوماً باید آنچه تسلیم می‌شود حداقل وصف کلی موضوع قرارداد را داشته باشد یعنی میان این دو محصول باید تفاوت ماهوی و ذاتی نباشد بلکه تنها از نظر اوصاف کمی و کیفی غیر منطبق تلقی گردند. در واقع نه متن قاعده و نه عرف تجارت بین الملل نمی‌پذیرد در چنین شرایطی عمل فروشنده تسلیم ناقص تلقی گردد بلکه اصولاً تسلیمی صورت نگرفته است (شعاریان ستاری؛ رحیمی، ۱۳۹۳، ۴۷). در مقابل برخی از حقوقدانان نظر گروه اول را نمی‌پذیرند و معتقدند در هر صورت تسلیم ناقص انجام شده و در این فرض عمل فروشنده به معنای عدم مطابقت است و تقلیل ثمن ممکن است (داراب‌پور، ۱۳۷۴، ۹۷). در کنوانسیون بیع بین‌المللی براساس نظر غالب، تسلیم کالای متفاوت از مصادیق عدم انطباق است و آنچه که در ماده ۳۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی در مورد وصف بیان شده است، تسلیم کالای متفاوت را شامل می‌گردد. در شرح رسمی پیش نویس کنوانسیون بیع بین‌المللی نیز چنین تسلیمی به عنوان تسلیم غیر منطبق شناخته شده است. در حقوق ایران اگر بایعی مبیعی متفاوت تسلیم مشتری نماید این به معنای

بیان شده است که اگر خریدار در زمان انعقاد قرارداد آگاه بوده است و یا می‌توانسته آگاه باشد نمی‌تواند از تقلیل ثمن استفاده نماید (عبیدت، ۲۰۱۸، ۴۴).

برای این که خریدار از ضمانت اجرای مربوط به عدم مطابقت کالا بهره مند گردد باید در زمان انعقاد قرارداد نسبت به عدم انطباق کالا بی اطلاع باشد در غیر این صورت به موجب بند ۳ ماده ۳۵ کنوانسیون بیع بین الملل فروشنده نسبت به عدم انطباق کالا با قرارداد مسئولیتی نخواهد داشت. در حقوق ایران نیز طبق ماده ۴۲۴ قانون مدنی زمانی خریدار می‌تواند از ضمانت اجرای عدم انطباق کالا استفاده نماید که هنگام عقد علم به عیب نداشته و عیب برای او مخفی باشد، البته کاهلی خریدار در آزمایش و بررسی مبیع مانع از استناد او به عیبی که پنهان مانده نیست (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ۳۲۷). در خیار تبعض صفقه نیز که مشابه قاعده تقلیل ثمن در کنوانسیون بیع بین‌المللی است طبق ماده ۴۴۳ قانون مدنی تبعض صفقه وقتی موجب خیار است که مشتری در حین معامله عالم به آن نباشد. در خیار عیب و خیار تبعض صفقه مانند قاعده تقلیل ثمن در کنوانسیون بیع بین‌المللی علم و جهل فروشنده به عیب کالا در تحقق خیار عیب و خیار تبعض صفقه اثری ندارد آنچه که مهم است علم خریدار است هر چند که سکوت فروشنده آگاه می‌تواند تدلیس باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ۳۲۶-۳۲۵).

۴. انتساب عدم مطابقت به فروشنده

عدم انطباق کالا باید منتسب به بایع باشد و در زمان انتقال مبیع به مشتری و انتقال ریسک وجود داشته باشد. بنابراین بایع مسئول هر نوع عدم انطباقی است که در هنگام انتقال ضمان به مشتری وجود دارد هر چند که عدم انطباق پس از انتقال مبیع آشکار گردد. در نتیجه، اگر بایع کالای مطابق

آن است که تسلیمی انجام نداده است، یعنی در خیار عیب که مشابه قاعده تقلیل ثمن در کنوانسیون بیع بین‌المللی است در فرضی می‌توان گفت که کالای معیوب است که کالا با آنچه که در قرارداد ذکر شده است کاملاً مطابقت دارد ولی به علت یک نقص جزئی که در مبیع وجود دارد خریدار می‌تواند از خیار عیب استفاده نماید. تقلیل ثمن به دلیل عدم انطباق باید معقول و منطقی باشد و گرنه مورد توجه دادگاه قرار نمی‌گیرد. ادعای عدم انطباق و در پی آن تقلیل ثمن بدون نیاز به تصمیم دادگاه و کارشناس است، هر چند بررسی کارشناس در مورد ارزش کالا استفاده می‌شود. بار اثبات عدم انطباق نیز بر عهده خریدار است چه قیمت مبیع پرداخت شده باشد یا نشده باشد، اگر قیمت پرداخت نشده باشد خریدار از ثمن کسر می‌کند. روش محاسبه تقلیل ثمن در عیوب و نقص کمی آسانتر از نقص کیفی است، برای مثال اگر طرفین برای تحویل صد سیب قرارداد ببندند و فروشنده ۹۰ سیب را تحویل دهد خریدار فقط مسئول پرداخت ۹۰ درصد قیمت به خریدار است، اما در جایی که عدم مطابقت در کیفیت وجود دارد برای محاسبه و تعیین ارزش و کیفیت سیب، اختلاف بایع و مشتری به دادگاه ارجاع داده می‌شود (پیلیونیس، ۲۰۰۰، ۳۳-۳۲). در حقوق ایران، برخی از حقوقدانان معتقدند که عدم مطابقت کمی از موارد تقلیل ثمن محسوب نمی‌شود (اسکینی؛ جعفریان، ۱۳۸۹، ۶۸). این در حالی است که در ماده ۳۸۴ نقص کمی مبیع از موارد تقلیل ثمن شمرده شده است.

۳. عدم آگاهی خریدار

در بند ۱ ماده ۳۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی، بر اساس قرارداد منعقد میان بایع و خریدار، فروشنده مسئول عدم انطباق است و لی در بند ۲ این ماده

و قبض مبیع توسط مشتری، مالکیت نسبت به مبیع برای مشتری حاصل نخواهد شد. در جریان قاعده فرقی نیست که برای تسلیم مبیع، موعده معین گردیده یا آن که بایع در تحویل مبیع تاخیر کرده باشد.

ب) شرایط شکلی اعمال قاعده تقلیل ثمن
شرایط شکلی اعمال تقلیل ثمن از سوی خریدار ۴ مورد می‌باشند که عبارتند از:

۱. بازرسی کالا

بازرسی کالا تعهدی است که به نفع خریدار مقرر گردیده است. در مورد مهلت بازرسی نیز بند ۱ ماده ۳۸ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مقرر نموده است: «ظرف کوتاه‌ترین مدتی که با توجه به اوضاع و احوال عملاً ممکن باشد کالا را بازرسی و یا موجبات بازرسی آن را فراهم نماید» با توجه به ابتدای ماده خریدار باید فوراً کالا را بازرسی نماید هر چند که در بازرسی کالا اوضاع و احوال خاص قرارداد و محل تحویل کالا و نوع بسته بندی کالا مورد توجه قرار می‌گیرد. آغاز مهلت بازرسی بر حسب این که قرارداد متضمن حمل باشد یا نباشد فرق می‌کند. به این صورت که اگر قرارداد متضمن حمل نباشد، مهلت مزبور از زمان تسلیم کالا به مشتری آغاز می‌شود، همچنین در صورتی که فروشنده کالا را قبل از موعد مقرر در قرارداد تسلیم نماید، مهلت بازرسی از هنگام تسلیم شروع می‌شود. هر گاه کالا متضمن حمل باشد، مهلت بازرسی از زمان رسیدن کالا به مقصد، آغاز می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۷، ۱۱۸).

۲. رعایت شکلی اخطاریه

خریدار در صورتی می‌تواند تقلیل ثمن را اعلام نماید که اظهارنامه و یا اخطاری را به فروشنده ابلاغ نماید که در این اخطاریه خریدار اولاً باید به صراحت بیان نماید که تمایل به تقلیل ثمن دارد و

با قرارداد برای خریدار ارسال نماید و در حین حمل و نقل به آن آسیب وارد شود، بایع مسئولیتی نخواهد داشت، مگر این که سلامت کالا تا زمان تحویل بر عهده بایع باشد (قاسمی، ۱۳۹۷، ۱۱۵).

بر همین اساس بند ۱ ماده ۳۶ کنوانسیون بیع بین‌المللی مقرر می‌دارد: «اگر کالا مطابق قرارداد ارسال گردد ولی در جریان حمل آسیب ببیند، فروشنده ضامن نیست. اما اگر کالای آسیب دیده تحویل مشتری گردد و معلوم گردد که از اول منطبق با قرارداد نبوده است، فروشنده مسئول است». در واقع در این ماده بین عدم انطباق کالا (که فروشنده ضامن آن است) و انتقال ضمان معاوضی کالا (که مشتری مسئول آن است) تقابل وجود دارد (صفایی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۳۳). در حقوق ایران نیز در ماده ۴۲۵ قانون مدنی مقرر شده است: «عیبی که بعد از بیع و قبل از قبض در مبیع حادث شود در حکم عیب سابق است». حکم این ماده از آثار و توابع ضمان معاوضی فروشنده پیش از تسلیم است که در ماده ۳۸۷ قانون مدنی ایران مقرر شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ۳۲۷). یکی از قواعد فقهی که در تمامی معاملات جریان دارد قاعده فقهی «کل مبیع تلف قبل قبضه فهو من مال بایعه» می‌باشد. یعنی هر مبیعی که قبل از قبض تلف شود از مال بایع آن تلف گردیده است. با توجه به این که تلف هر مالی در ملک مالکش صورت می‌گیرد و با عنایت به این که با انجام معامله، مبیع، ملک خریدار می‌شود، هر چند که تلف قبل از تسلیم باشد، قاعده مورد بحث، خروجی است از مقتضای اصول و قواعد اولیه حاکم بر معاملات که در سطور آینده در این باره بحث خواهیم کرد. البته جریان قاعده در خصوص موردی است که مبیع عین خارجی معین باشد و صورتی که مبیع کلی فی الذمه باشد از محل بحث خارج است؛ زیرا در این صورت، بدون تحویل

در این اختاریه اصطلاح تقلیل ثمن ذکر گردد. ثانیاً میزان کاهش قیمت مبیع از سوی خریدار نیز باید ذکر گردد و صرف پرداخت مبلغ کالا یا قیمت کاهش یافته آن کافی نیست؛ زیرا قصد خریدار برای تقلیل ثمن مشخص نیست. ثالثاً خریدار باید انگیزه خود برای تقلیل ثمن را اعلام نماید یعنی بیان نماید هدف او از تقلیل ثمن چیست؟ رابعاً خریدار باید دقیقاً کاستی‌های تعهدات فروشنده و عدم مطابقت کالا را بیان نماید. مجموع این موارد نشان می‌دهد که خریدار باید در اختاریه عدم مطابقت هم قصد و هم انگیزه خود برای تقلیل ثمن را ذکر کند تا دادگاه قادر باشد این اختاریه را بررسی نماید (جانسن، ۲۰۱۴، ۳۴۹).

۳. اخطار در مدت معقول

خریدار باید در مهلت قانونی عدم مطابقت را به فروشنده اطلاع دهد، در غیر این صورت حق استناد به عدم انطباق و استفاده از تقلیل ثمن را از دست می‌دهد. حداکثر مهلت قانونی برای اخطار عدم مطابقت دو سال است. این در حالی است که مناطق مختلف جهان از لحاظ سیستم حمل و نقل و ارتباطات و توسعه وضعیت متفاوتی دارند لذا این مهلت منطقی نیست (عبیدت، ۲۰۱۸، ۴۹). از نظر برخی از حقوقدانان تقلیل ثمن فاقد شرایط شکلی است و نیاز به حکم دادگاه ندارد و با اراده مشتری صورت می‌گیرد. پروفیسور هانولد به عنوان یکی از طراحان کنوانسیون ذکر می‌کند در نسخه اولیه بیان شده بود که در صورت عدم تطابق این امکان برای خریدار هست که تقلیل ثمن را اعلام نماید اما چون این عبارت ضرورت ارسال اختاریه را تلقین می‌نمود در متن نهایی به صورت فعلی اصلاح شد. در نتیجه تمسک به ماده ۵۰ و اعمال تقلیل ثمن نیازمند اعلام و اظهار به فروشنده نیست (هانولد، ۱۹۹۹، ۲۱؛ پیلونیس، ۲۰۰، ۵۹). از نظر پروفیسور

هوبر نیز استفاده از تقلیل ثمن نیاز به حکم دادگاه ندارد و اختاریه عدم مطابقت ضروری نیست بلکه با اراده مشتری، صورت می‌پذیرد اما برخلاف نظر این دسته از حقوقدانان، برخی (سوپ شین، ۲۰۰۵، ۳۵۰)، با استناد به بند ۱ ماده ۳۹ کنوانسیون بیع بین‌المللی بیان نموده‌اند خریدار موظف به این اعلام و اخطار است مبنای این نظر پرونده‌های متعددی است که مشتری به علت این که عدم مطابقت را به بایع اخطار نداده است نتوانسته است به تقلیل ثمن استناد نماید. برای نمونه در پرونده‌ای خواهان یک فروشنده سوئدی و خریدار یک شخص آلمانی است که بین آنها قراردادی منعقد می‌گردد و طبق این قرارداد خواهان موظف بوده مقدار معینی کک را به یک شرکت در یوگسلاوی سابق تحویل دهد. با این حال خوانده پس از دریافت کک، به علت کیفیت پایین کک از پرداخت قیمت آن خودداری نموده است؛ لذا خواهان دعوی را علیه خوانده مبنی بر پرداخت ثمن مطرح نمود. دادگاه آلمان در رأی خود اعلام نمود که خوانده حق تقلیل ثمن ندارد زیرا عدم مطابقت کالا را طی اختاریه‌ای اعلام نکرده است. نظری که اختاریه را امری ضروری می‌داند صحیح است. خریدار برای این که اخطار عدم مطابقت بدهد لازم‌اش بازرسی کالا است که در ماده ۳۸ کنوانسیون بیع بین الملل به صراحت ذکر شده است. در پاسخ به نظر گروه اول (هوبر و هانولد) باید گفت وجود اختاریه امری لازم و ضروری است زیرا دکتین حقوقی همگی متفق القولند که قبل از تقلیل ثمن باید اخطار صورت گیرد دلایل آنها نیز عبارت است از: ۱- تقلیل ثمن یک راهکار قطعی در مورد قرارداد است. ۲- خریدار باید انگیزه خود از تقلیل ثمن را اعلام نماید تا کاستی‌های تعهدات فروشنده مشخص گردد. ۳- بعد از این

که با شرایطی از کالای ناقص رفع نقص نماید بیان می‌دارد: «هر گاه بایع کالا را پیش از موعد مقرر تسلیم نموده باشد تا فرا رسیدن موعد مزبور می‌تواند قسمت‌های کسری را تحویل دهد یا هر گونه نقصانی در مقدار را جبران کند یا کالای دیگری را در عوض کالای غیر منطبق تسلیم نماید، یا هر نوع عدم انطباقی را در کالای تسلیم شده مرتفع سازد مشروط بر این که اعمال این حق موجب زحمت غیر معقول مشتری یا تحمیل هزینه‌های غیر معقول بر او نباشد. معهدا هر نوع مطالبه خسارت به نحوی که در این کنوانسیون مقرر شده است برای مشتری محفوظ می‌باشد». بنابراین، استثنائات اعمال ماده ۵۰ کنوانسیون عبارتند از:

الف) جبران نقص پس از موعد تسلیم توسط فروشنده به شرط عدم تأخیر غیر معقول:

«با رعایت ماده ۴۹، فروشنده می‌تواند حتی پس از موعد تسلیم هر نوع قصور در ایفای تعهد را به هزینه خود جبران کند به شرط آنکه بتواند این کار را بدون تأخیر غیر معقول و بدون این که موجب زحمت غیر معقول مشتری شود انجام دهد و باعث عدم اعتماد مشتری نسبت به بازپرداخت هزینه‌هایی که مشتری به صورت پیش پرداخت انجام داده است نشود. ولی هر نوع مطالبه خسارت برای مشتری به ترتیبی که در این کنوانسیون مقرر شده محفوظ خواهد بود».

ب) عدم اعلام نظر مشتری با وجود درخواست فروشنده:

«هر گاه فروشنده از مشتری درخواست نماید تا نظر خود را در این خصوص که آیا ایفای تعهد توسط فروشنده را خواهد پذیرفت یا خیر اعلام نماید و مشتری ظرف مدت معقولی این درخواست را اجابت ننماید و بایع بعد از مدت منعکس در

اخطاریه موقعیت یک قرارداد تغییر می‌کند حتی اگر این اخطار به دست فروشنده نرسد. یعنی خریدار بعد از انتخاب راه حل تقلیل ثمن نمی‌تواند نظر خود را تغییر دهد و راهکار دیگری را انتخاب نماید (جانسن، ۲۰۱۴، ۳۵۱).

۴. عدم رفع عدم مطابقت از سوی فروشنده (مواد ۳۷ و ۴۸ کنوانسیون بیع بین‌المللی)

طبق ماده ۵۰ کنوانسیون بیع بین‌الملل در صورتی که فروشنده عدم ایفای تعهد خود را به نحوی که در ماده ۳۷ و ۴۸ کنوانسیون بیع بین‌الملل مقرر شده است جبران نماید خریدار حق تقلیل ثمن ندارد. در حقوق ایران طبق قاعده الحاکم ولی المتع عمل می‌شود که حاکم فروشنده را مجبور به جبران می‌کند اگر امتناع ورزید. معنای این قاعده عبارت است از اینکه اگر مدیون از انجام وظایف قانونی محوله خویش امتناع ورزد، صاحب حق می‌تواند با مراجعه به حاکم ذی‌حقی خویش را ثابت نماید و پس از آن حاکم مدیون را به انجام آن عمل مجبور خواهد کرد. ماد ۳۷ و ۴۸ کنوانسیون بیع بین‌المللی در مورد جبران عدم انجام تعهد توسط فروشنده است عدم رعایت مقررات ماده ۳۸ نیز حق خریدار را جهت توسل به دفاع از عدم انطباق کالا و ضمانت اجرای آن که می‌تواند تقلیل ثمن باشد ساقط می‌نماید (بناء نیاسری، ۲۰۱، ۱۳۸۷).

۵-۱-۲. استثنائات قاعده تقلیل ثمن

مطابق قسمت اخیر ماده ۵۰ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا: «..... معهدا هر گاه بایع مطابق مواد ۳۷ و ۴۸ هر نوع قصور در ایفای تعهدات خود را جبران کند یا در صورتی که مشتری مطابق مواد مذکور از قبول انجام تعهد بایع خودداری ورزد خریدار نمی‌تواند ثمن را کاهش دهد». ماده ۳۷ کنوانسیون که به فروشنده این حق را داده است

«طبق این ماده که شبیه به ماده ۵۰ کنوانسیون بیع بین‌المللی است در صورت تسلیم کالای معیوب از سوی بایع، مشتری می‌تواند مبیع را برگرداند و کل ثمن پرداختی را دریافت نماید یا با حفظ مبیع معیوب، اقدام به اخذ ارش نماید» (عسکری، ۱۴۰۱، ۱۴).

(ب) تقسیط ثمن در خیار تبعض صفقه در مورد خیار تبعض صفقه نیز ماده ۴۴۲ مقرر نموده است: «خیار تبعض صفقه وقتی حاصل می‌شود که عقد بیع نسبت به بعض مبیع به جهتی از جهات باطل باشد در این صورت مشتری حق خواهد داشت بیع را فسخ نماید یا نسبت به قسمتی که بیع واقع شده است قبول کند و نسبت به قسمتی که بیع باطل بوده است ثمن را استرداد نماید».

مبنای فقهی و حقوقی قاعده تقلیل ثمن جبران ضرر و بنای عقلا و همچنین حمایت از مشتری در برابر آنچه است که عرف در معاملات پذیرای آن نیست و این همان چیزی است که در ماده ۵۰ کنوانسیون مقرر شده است.

۵-۲. وجود تشابه و افتراق تقلیل ثمن در کنوانسیون وارث و تقسیط ثمن در حقوق ایران

بین نهاد تقلیل ثمن در کنوانسیون و نهاد ارش و مابه التفاوت قیمت در حقوق ایران وجوه تشابه و افتراق به شرح زیر وجود دارد:

۵-۲-۱. وجود تشابه نهاد تقلیل ثمن و ارش و مابه التفاوت

وجوه تشابه نهاد تقلیل ثمن و ارش و مابه التفاوت به قرارذیل است:

۱- در حقوق ایران نیز مشتری زمانی می‌تواند از خیار عیب به عنوان ضمانت اجرای عدم انطباق آنگونه که در ماده ۴۲۲ قانون مدنی بیان شده

درخواست خود، تعهدش را ایفا کند مشتری ظرف مدت مزبور نمی‌تواند به هیچ یک از طرق جبران خسارت که مغایر با ایفای عهد بایع باشد متوسل گردد» (عسکری، ۱۴۰۱، ۱۵).

(ج) اعلام بایع دایر بر ایفای تعهد ظرف مدت معین

«این اعلام بایع مبنی بر این که ظرف مدت معینی تعهد خود را ایفا خواهد نمود به منزله‌ی استعلام از تصمیم مشتری مطابق بند پیشین است» (بیگ زاده؛ باریکلو، ۱۳۹۰، ۶۴).

(د) شرط وصول اختاریه فروشنده به مشتری: تقاضا یا اختاریه‌ای که به موجب بندهای ب و ج که در قسمت فوق مطرح شده بلا اثر است «مگر این که به مشتری واصل شده باشد. بر این اساس، اگر فروشنده قبل از موعد مقرر، کالا را تسلیم کند می‌تواند براساس ماده ۳۷ کنوانسیون در صورتی که کالای تسلیم شده منطبق با قرارداد نباشد کالا را تا زمان مقرر در توافق برای تسلیم، از آن رفع نقص نماید مگر این که این مساله موجب تحمیل هزینه‌ای بر مشتری گردد؛ اما بایستی دانست این اختاریه برای فروشنده، منافاتی با حق خریدار در توسل به یکی از روش‌های جبران خسارت ندارد» (نجفی، ۱۳۹۳، ۷۲).

۵-۱-۳. ارش و تقسیط ثمن

«اخذ ارش در خیار عیب و تقسیط ثمن در خیار تبعض صفقه از مصادیق تقلیل ثمن در نظام حقوقی ایران می‌باشد» (اسلامی‌پناه و همکاران، ۱۳۹۵، ۶۷).

(الف) ارش در خیارعیب

در مورد خیار عیب، قانونگذار در ماده ۴۴۲ قانون مدنی مقرر نموده است: «اگر بعد از معامله ظاهر شود که مبیع معیوب بوده مشتری مختار است در قبول مبیع معیوب با اخذ ارش یا فسخ معامله».

۳- مبنای تقلیل ثمن در کنوانسیون بیع بین‌المللی و ارش در حقوق ایران قاعده دارا شدن ناعادلانه (کسی که بدون سبب مشروع، مال فرد دیگری را دارا شده است، باید آن را به صاحبش بازگرداند) و عدالت در رابطه قراردادی و قاعده لاضرر است (سلطانیان، ۱۳۹۳، ۶۳؛ اسکینی، جعفریان، ۱۳۸۹، ۵؛ کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج ۵، ۳۱۹-۳۱۸). همچنین تئوری موازنه هم در حقوق ایران در مورد ارش و خیار عیب پذیرفته شده است. تقلیل ثمن در کنوانسیون بر پایه دو مبناست: ۱- اصل بر بقای عقود است ۲- قاعده موازنه (صفایی، ۱۳۹۸، ۴۰۳).

۴- ماهیت تقلیل ثمن در کنوانسیون بیع بین‌المللی این است که تقلیل ثمن، یک جبران خسارت قراردادی است البته برخلاف بقیه جبران خسارت‌ها مبتنی بر خسارت واقعی خریدار نیست بلکه در آن فقط حفظ قرارداد ملاک است به همین علت صرفاً وابسته به نسبت بین ارزش کالای واقعی تحویل شده و ارزش فرضی کالا منطبق است ماهیت ارش نیز غرامت و جبران خسارت است (قنونی؛ مسعودیان زاده، ۱۳۹۵، ۳۰۸).

۵- در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا تصرف خریدار باعث اسقاط تقلیل ثمن نمی‌شود، در فقه و حقوق ایران نیز تصرف باعث اسقاط ارش نمی‌شود. زیرا بر اساس اصل استصحاب خیار در اینجا باقی است (بهروزی‌زاد، ۱۴۰۱، ۴۱).

۶- زمانی خریدار می‌تواند به تقلیل ثمن استناد نماید که فروشنده نتواند در مهلتی که از سوی مشتری اخذ نموده عدم مطابقت نماید یعنی چون مبنای تقلیل ثمن حفظ قرارداد و جلوگیری از ضرر خریدار است در حقوق ایران نیز اگر مبنای خیار عیب و تبعض صفتی رفع گردد و فروشنده رفع عیب نماید مشتری حق اخذ ارش را از دست می‌دهد

استفاده نماید که هنگام عقد علم به عیب نداشته و عیب برای وی مخفی باشد. البته ماده ۴۲۴ قانون مدنی، فقط علم واقعی مشتری به عیب را، سبب حرمان وی از خیار عیب دانسته و برای جهل ناموجه اثری قائل نشده و مقرر می‌دارد: «عیب وقتی مخفی محسوب می‌شود که مشتری زمان بیع عالم به آن نبوده است اعم از این که این عدم علم ناشی از آن باشد که عیب واقعاً مستور بوده یا این که ظاهر بوده ولی مشتری ملتفت آن نشده است.» «طبق بند ۳ ماده ۳۵ کنوانسیون هر گاه مشتری در زمان انعقاد قرارداد از عدم انطباق کالا با قرارداد آگاه بوده یا نمی‌توانسته در این باره نا آگاه باشد، نمی‌تواند از اختیار مندرج در ماده ۵۰ استفاده کند زیرا ثمن مندرج در قرارداد بابت همان کالایی مقرر شده که خریدار از اوصاف آن آگاه بوده است» (بیگ زاده، باریکلو، ۱۳۹۰، ۶۵).

۲- در کنوانسیون بیع بین‌المللی با تحویل کالا و انتقال ریسک و خطر به مشتری او دیگر نمی‌تواند به قاعده تقلیل ثمن متوسل گردد و طبق ماده ۶۹ کنوانسیون بیع بین‌المللی خطر و ریسک بعد از تحویل کالا به مشتری به او منتقل می‌گردد. در برخی از کشورها مانند فرانسه و بلژیک انتقال ریسک از زمان توافق بایع و مشتری صورت می‌گیرد (در این کشورها زمانی که ریسک منتقل گردد حتی اگر فروشنده به دلایل فورس مازور کالا را تحویل مشتری ندهد مشتری باید قیمت آن را بپردازد) تمام کشورهایی که عضو کنوانسیون بیع بین‌المللی هستند این قاعده کنوانسیون را اعمال می‌کنند (جانسن، ۲۰۱۴، ۳۳۸). در حقوق ایران نیز طبق ماده ۴۲۵ قانون مدنی بعد از تحویل کالا به مشتری این خطر به او منتقل می‌گردد و انتقال ریسک و خطر از آثار ضمان معاوضی است (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ۳۲۷).

۵-۲-۲. وجوه افتراق نهاد تقلیل ثمن و

ارش و مابه التفاوت

وجوه افتراق نهاد تقلیل ثمن و ارش و مابه التفاوت به قرار زیر است:

۱- تقلیل ثمن در حقوق ایران ریشه در روایات نقل شده از معصومین و کلام فقها دارد؛ اما قاعده تقلیل ثمن در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ریشه در حقوق نوشته دارد که وامدار حقوق روم است.

۲- تقلیل ثمن در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا می‌تواند به صورت یکجانبه از سوی خریدار اعمال گردد بدون این که خریدار برای اعمال حق خود نیازی به مراجعه به دادگاه داشته باشد (هراتیان‌نژادی؛ آزادی، ۱۳۹۴؛ سلطانیان، ۱۳۹۳، ۵۵). ولی در حقوق ایران اگر خریدار برای اعمال حق خود با مخالفت بایع مواجه شود باید به دادگاه مراجعه نماید. هر چند در کنوانسیون بیع بین‌المللی نیز اگر بین بایع و مشتری در مورد تقلیل ثمن و میزان آن اختلاف حاصل گردد طرفین باید به دادگاه مراجعه نمایند.

۳- ارش صرفاً به واسطه عیب به وجود می‌آید در حالی که تقلیل ثمن به واسطه عدم مطابقت حاصل می‌شود و این عدم مطابقت ممکن است از نظر فقهی عیب محسوب نشود. البته به خیار تبعض صفقه شباهت دارد. خیار تبعض صفقه وقتی حاصل می‌شود که عقد بیع نسبت به بعض مبیع به جهتی از جهات باطل باشد، در این صورت مشتری حق خواهد داشت بیع را فسخ کند یا به نسب قسمتی که بیع واقع شده است قبول کند و نسبت به قسمتی که بیع باطل بوده است ثمن را استرداد کند.

۴- برای محاسبه تقلیل ثمن نسبت کالای غیر منطبق به قیمت کالای منطبق گرفته می‌شود به همین نسبت از ثمن قراردادی کاسته می‌شود. این

زیرا مبنای خیار قاعده لاضرر و جلوگیری از ورود زیان به مشتری است در این مورد می‌توان به ماده ۴۷۸ قانون مدنی که در بحث اجاره است استناد نمود در این ماده قانونگذار مقرر می‌کند: «هر گاه معلوم شود عین مستاجر در حال اجاره معیوب بوده مستأجر می‌تواند اجاره را با تمام اجرت قبول کند ولی اگر موجر رفع عیب نماید به نحوی که به مستأجر ضرری نرسد مستأجر حق فسخ ندارد». یا «در روایتی از امام صادق (ع) پرسیده شد که خریداری قطعه زمینی را در منطقه‌ای خاص خریداری نموده است اما پس از ارزیابی متوجه می‌شود که مطابق با قرارداد نیست در اینجا تکلیف خریدار چیست؟ امام صادق (ع) فرمودند در اینجا خریدار حق دارد زمین را رد نماید و ثمن را مسترد نماید و یا این که زمین را قبول نماید و تقلیل ثمن نماید، در اینجا همچنین از ایشان پرسیده شد که اگر فروشنده با دادن زمین دیگری در مجاورت همان زمین رفع ضرر نماید آیا باز هم خریدار حق خیار دارد؟ ایشان در پاسخ فرمودند چون از خریدار رفع ضرر شده است دیگر حق خیار ندارد» (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ۳۶۱). از حدیث امام صادق (ع) و ماده ۴۷۸ قانون مدنی می‌توان متوجه شد که اولاً خیارات جنبه آمره ندارد دوماً آنچه که مبنای خیار است لاضرر است؛ حال این رفع ضرر چه از طریق فسخ اعمال شود و یا تقلیل ثمن.

۷- روش محاسبه در تقلیل ثمن نسبی است و خریدار می‌تواند قیمت را معادل نسبت ارزش کالای تسلیم شده در زمان تسلیم به ارزش کالای مطابق قرارداد در همان زمان کاهش دهد. البته این شیوه ارزیابی زمانی اهمیت پیدا می‌کند که سطح قیمت، طی فاصله انعقاد قرارداد و زمان تحویل کالا تغییر کند (مافی، ۱۳۹۴، ۳۷۶)

ثمن عبارتند از: ۱- فروش بین‌المللی کالاهای منقول و قابل حمل ۲- عدم مطابقت کالا ۳- عدم آگاهی خریدار ۴- انتساب عدم مطابقت به فروشنده، شرایط شکلی اعمال قاعده تقلیل ثمن نیز عبارتست از ۱- بازرسی کالا ۲- رعایت شرایط شکلی اخطاریه ۳- اخطار در مدت معقول ۴- عدم رفع عدم مطابقت از سوی فروشنده. لازم است در حقوق ایران نیز شرایط مشابهی برای امکان استفاده از نهاد ارش یا مابه‌التفاوت قیمت در خیار عیب و تبعض صفقه وضع گردد.

در خصوص مقایسه بین قاعده تقلیل ثمن با نظریه عمومی ارش در قراردادهای با وجود تفاوت‌هایی که در ماهیت و ساختار و شرایط اجرا دارند هدف یکسانی دارند و آن این است که قرارداد حفظ شود و خسارت خریدار به بهترین نحو ممکن جبران شود. البته در توصیف این حق در کنوانسیون وین و فقه امامیه اختلاف وجود دارد که به نظر میرسد موضع فقه و حقوق صحیح‌تر باشد. البته در کنوانسیون مکانیزم‌های دیگری همچون رفع عدم مطابقت و تعویض کالای غیر منطبق وجود دارد که با ساختار قراردادهای در فقه امامیه و حقوق ایران تعارضاتی دارد و سخت بتوان آن را به صورت یک قاعده عمومی درآورد. در واقع عمدتاً به نظر میرسد ملاحظات عملی باعث پیش‌بینی چنین مکانیزم‌هایی شده است در حالی که در حقوق و فقه امامیه مباحث عمدتاً تحلیلی بیان شده است.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

فرمول هم در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و هم در قانون مدنی ایران پذیرفته شده است، ولی زمان مناسب برای ارزیابی کالا در کنوانسیون زمان تحویل کالا در نظر گرفته شده است ولی در حقوق ایران زمان وقوع عقد تصریح شده است که راه حل کنوانسیون بهتر است؛ زیرا از زمان وقوع عقد تا زمان تسلیم ممکن است قیمت کالا تغییر نماید.

۶. نتیجه

تقلیل ثمن یک ضمانت اجرا در برابر نقض قرارداد است که در ماده ۵۰ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مطرح شده است و یک ضمانت اجرای رومی و ژرمنی است. در حقوق ایران نهادهای مشابه با قاعده تقلیل ثمن وجود دارد که عبارتند از اختیار ارش در خیار عیب و تقسیط ثمن در خیار تبعض صفقه. از لحاظ ماهیت نیز هم تقلیل ثمن در کنوانسیون و هم ارش در خیار عیب و تقسیط ثمن در خیار تبعض صفقه جنبه خسارت و غرامت دارد. البته تقلیل ثمن جبران خسارتی متمایز از بقیه جبران خسارت‌ها است، زیرا تقلیل ثمن و خسارت از لحاظ قابلیت پیش‌بینی و شیوه محاسبه و نوع استناد به قوه قاهره متفاوت می‌باشند. شرایط استناد به قاعده تقلیل ثمن از لحاظ مفهوم عیب و لزوم عدم اطلاع خریدار مشابه یکدیگرند. مبانی قاعده تقلیل ثمن جلوگیری از ضرر و زیان وارده است که خود مبنای مشترک هر کدام از اختیارات است و همچنین بنای عقلاً نیز یکی دیگر از این مبانی است. به علت شباهت شیوه ارزیابی در قاعده تقلیل ثمن در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و قاعده ارش در حقوق ایران و تقسیط ثمن در خیار تبعض صفقه اکثریت حقوقدانان این دو را یکی دانسته‌اند. در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا برای استفاده مشتری از نهاد تقلیل ثمن وجود شرایط شکلی و ماهوی لازم است که شرایط شکلی تقلیل

منابع

منابع فارسی

- اسکینی، ربیعا؛ جعفریان، علیرضا، «بررسی ارش در حقوق ایران و فقه امامیه و تفاوت آن با تقلیل ثمن در کنوانسیون بیع بین‌المللی»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره سی و یکم، ۱۳۸۹
- اسلامی پناه، علی؛ فرجام، بهزاد؛ اسکندری، حسین، «بررسی تحلیلی امکان تقلیل ثمن در نظام حقوقی ایران»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره دوم، ۱۳۹۵.
- اسلامی پناه، علی؛ فرجام، بهزاد؛ اسکندری، حسین، «بررسی تحلیلی امکان تقلیل ثمن در نظام حقوقی ایران»، مجله پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره چهل و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
- بناء نیاسری، ماشاءالله، «تعهدات خریدار در بیع بین‌المللی مطالعه‌ای تحلیلی در رویه قضایی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا»، مجله حقوقی مرکز امور بین‌المللی، شماره سی و هشتم، ۱۳۸۷.
- بهروزی زاد، حمید رضا، «مفهوم و شرایط اعمال نظریه عمومی ارش و مقایسه آن با قاعده تقلیل ثمن با مطالعه تطبیقی»، مجله تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، شماره چهاردهم، بهار ۱۴۰۱.
- بهروزی زاد، حمید رضا، «مفهوم و شرایط اعمال نظریه ارش و مقایسه آن با قاعده تقلیل ثمن با مطالعه تطبیقی»، فصلنامه علمی تخصصی دانشنامه‌های حقوق، شماره چهاردهم، ۱۴۰۱.
- بیگ زاده، صفر؛ باریکلو، علیرضا، «اختیار تقلیل ثمن (مطالعه تطبیقی در کنوانسیون بیع بین‌المللی، فقه امامیه و حقوق ایران)»، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره سوم، ۱۳۹۰.
- پارساپور، محمد باقر؛ حسینی، میلاد؛ شاهی، احد، «قابلیت جمع شیوه‌های جبران خسارت قراردادی در حقوق اسلام و ایران در مقایسه با اسناد بین‌المللی»، فصلنامه پژوهشی تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره سوم، ۱۳۹۴.
- داراب پور، مه‌راب، «تفسیری بر حقوق بیع بین‌الملل، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۴.
- سلطانیان، داود، «نگاهی به تقلیل ثمن در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا وین ۱۹۸۰»، مجله جستارهای فقه و حقوق، شماره دوم، ۱۳۹۳.
- شعاریان ستاری، ابراهیم؛ رحیمی، فرشاد، حقوق بیع بین‌الملل، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۳.
- شفیعی، حدیث؛ فروحی، مرتضی، «بررسی شرایط فسخ قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، حقوق ایران و اصول حقوق اروپایی»، مجله راه وکالت، سال دوازدهم، شماره بیست و سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۹.
- صفایی، حسین، «اندیشه‌های نو در تئوری موازنه و مقایسه آن با برخی از نظریه‌های فرانسوی»، فصلنامه دانشنامه‌های حقوق، شماره پنجم، ۱۳۹۸.

- هراتیان نژادی، مجید؛ آزادی، آفرین، «تحلیل قاعده تقلیل ثمن در حقوق ایران و کنوانسیون بیع کالا، ۱۹۸۰»، دامغان، اولین همایش ملی پژوهش‌های کاربردی در حسابداری- مدیریت و اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، ۱۳۹۴.

صفایی، حسین؛ کاظمی، محمود؛ عادل، مرتضی؛ میرزانژاد، اکبر، حقوق بیع بین‌المللی، چاپ ششم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.
- پژوهش‌های کاربردی در حسابداری- مدیریت و اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، ۱۳۹۴.

عسکری، سامان، ۱۴۰۱، «تقلیل ثمن در حقوق ایران»، گرجستان - تفلیس، هفتمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در روانشناسی- علوم اجتماعی - علوم تربیتی و آموزشی (آکادمی بین‌المللی علوم و مطالعات گرجستان)، ۱۴۰۱.

منابع عربی

- حراملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، جلد دوازدهم، چاپ ششم، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.

قاسمی، عبدالخالق، «ارش و تقلیل ثمن در کنوانسیون بیع بین‌المللی، فقه امامیه- حقوق افغانستان و ایران»، فصلنامه کاتب، شماره دهم، ۱۳۹۷.

منابع لاتین

- Honnold, John O, Reduction of the Price Uniform Law for International Sales under The 1980 United Nations Convention, First Edition, the Hague, Kluwer Law International Publication, 1999.

قنواتی، جلیل؛ مسعودیان زاده، ذبیح‌اله، «تحلیل ارش بر مبنای ضمان معاوضی فروشنده نسبت به وصف سلامت کالا»، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره دوم، ۱۳۹۵.
- Jansen, Sanna, "Price Reduction Under the CISG A 21ST Century Perspective", Journal of Law And Commerce, No. 65, 2014.

کاتوزیان، ناصر قواعد عمومی قراردادها، جلد پنجم، چاپ ششم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰.
- Obeidat, Yusuf, "The Remedy of Price Reduction Under CISG: with Special Reference to Jordanian Civil Law and English Sale of Goods Law", Journal Sharia and Law, No. 46, 2018.

کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، چاپ پنجاه، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۵.
- Piliounis, Peter, "The Remedies of Specific Performance, Price Reduction Under CISG", Journal Pace International Law Review, No. 15, 2000.

مافی، همایون، حقوق متحدالشکل بیع بین‌المللی کالا طبق کنوانسیون ۱۹۸۰ ملل متحد، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۴.
- Sop shin, Chang, "Declaration Of, Price, Reduction, Under The CISG Article 50 Price Reduction Remedy", Journal of Law And Commerce, No. 35, 2005.

نجفی، مریم، «شیوه‌های جبران خسارت در حقوق ایران و بیع بین‌المللی کالا (وین ۱۹۸۰)»، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی استاد همایون مافی و سام محمدی، مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، ۱۳۹۳.
- Ulrich, Magnus, "The Remedy of Avoidance of Contract Under CISG- General Remarks and Special Cases", Journal of Law and Commerce, No. 56, 2005.

